

متن پرسش

به نام حضرت حق: با سلام استاد بزرگوار بنده در آشنایان کسانی را دارم که اهل نماز نیستند. به ذهن بنده این طور خطور می‌کند که اینها از حقیقت دین اسلام آگاه نیستند همان طوری که من هم فرسنگ‌ها فاصله دارم و شاید در لبه‌های مرز قرار گرفته بودم که لطف خدا دستگیریم کرد (البته این مرز هم مستحضرید برای همه یکسان نیست مثلاً برای بنده ترک نماز نبود شاید اعتقاداتم ضعیف بود و در کنار نماز هم داشتم کارهای حرام هم انجام می‌دادم) ضمناً الان با بعضی‌ها خصوصاً از قدیمی‌ها هم صحبت می‌کنم می‌بینم نماز خواندن آنها هم به دلیل این است که پدرانمان هم نماز می‌خواندند مثل ارث می‌ماند این واقعا برای من مایه تاسف بود و احساس می‌کنم با این تهاجم فرهنگی و این دوری از حقیقت (چون تا چندی پیش هم منم مثل سایرین بودم و دین برایم زیاد توجیه نشده بود مثل میوه ای که از دور ببینی تا نخوری و نچشی طعم آن را نمی‌فهمی و تا زمانی که از دور نظاره می‌کنی تا مدتی چشم را سیر می‌کند و بعد از آن تمایلی به نگاه کردن نداری البته عذر می‌خواهم برای این تشبیه مثالی در حد فکر کوچک خودم بود) باعث دین‌گریزی جوانان می‌شود و از طرفی مسائلی که در جامعه پیش می‌آید و بی‌عدالتی‌هایی که صورت می‌گیرد هم لطمه بیشتری را به ساحت دین وارد می‌آورد چون یک عده می‌گویند حکومت ما اسلامی است. البته باز هم بنده فهمیدم این دوری از حقیقت دین و به قول شما نزدیکی فرهنگ غرب به ماست اما با توجه به مطالبی که نوشتم لطف کنید ایراداتی که وارد است بفرمایید در ثانی غرض از نوشتن این‌ها اینکه بنده با آن شخصی که اهل نماز نیست باید قطع رابطه کنم یا رفتارم طوری باشد که اگر خدا خواست دین را بپذیرد مثلاً اگر به عنوان مهمان وارد شود آیا باید پذیرای او باشم چون مهمان حبیب خداست؟ ثالثاً بنده فکر می‌کنم اگر مباحث شما در مدارس تدریس شود خیلی کمک به دین و دنیای مردم می‌کند. التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین طور است که می‌فرمایید اکثراً معذورند و وظیفه‌ی ما است که با خوش‌رویی با آن‌ها برخورد کنیم تا زمینه‌ای فراهم شود و بتوانیم پیشنهادهای لازم را به آن‌ها بکنیم. موفق باشید